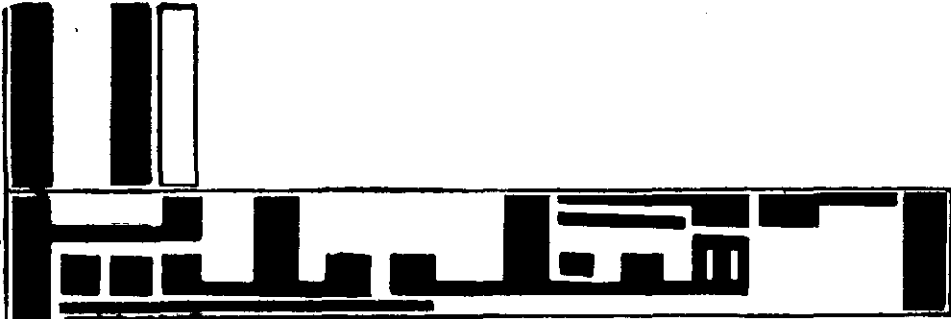


V
C

(222)



V
r. Jc



آفتاب

مخصوص جامعه بهائی است

«اجتاه طلیعاً باید پیش خیزی داخل شوند و در امور سیاسیّه مدخله نمایند»
حضرت عبدالقادر

شماره مسلسل ۲۲۳

شهر الغزّه شهر ایشتمه ۱۲۲۲ بیدع
شهر ۱۳۴۴ شمسی
اکتبر ۱۹۶۵ میلادی

شماره ۷ سال ۲۰

فهرست مندرجات

صفحه

—	۱ — لوح مبارك جمالقدم جل جلاله
۲۶۱	۲ — جای درنگ نیست
۲۶۴	۳ — دین باید سبب الفت و محبت باشد (۲)
۲۶۸	۴ — شعر لعل دوست (غلامرضا روحانی)
۲۶۹	۵ — شعر آهسته آهسته (حبیب الله اوجی)
۲۷۰	۶ — سفری به گرینلند
۲۷۴	۷ — صفحه ای از يك كتاب (ظهور الحق)
۲۷۵	۸ — اوهام ملل
۲۷۹	۹ — نامه های تاریخی
۲۸۰	۱۰ — شرح انجمن شور روحانی ملی جوانان
۲۸۳	۱۱ — عکسهای تاریخی
۲۸۷	۱۲ — قسمت نوجوانان

عکس روی جلد — لطفاً به صفحه ۲۸۴ مراجعه شود .

نام سلطان ایگان

نیکیست حال نفوسی که برات آزادی منطبع امر آئی اخذ نموده اند و از ناراجیل و شرک محفوظ مانده اند
جمع ناس منسظر امام الله بوده اند چون شمس ظهور از افق بهار شیت آئی اشراق سر مود کل از او
عافل و بغیر او مشغول و متوجه مگر نفوسی که ندای ربانی را بسمع فواد شنیده اند و با تقصیر توجه نموده اند ایوم نوم
خدمت است ایوم یوم عمل خالص است باید جمع دوستان بعنایت رحمن باعمال حسنه و اخلاق میر
و بیانات شافی به هدایت عباد مشغول شوند آنه ولی الحسنین محمد و رب العالمین .

جای درنگ نیست!

دکتر باهر فرقانی

در رضوان سال گذشته بیت العدل اعظم الهی طی یک فرمان عمومی تأسیس نقشه بدیعه تبلیغی نه ساله را اعلان و عموم من فسی البهائ را بشرکت در آن دعوت فرمودند . این نقشه جلیله گرچه اولین نقشه تبلیغی دیوان عدل اعظم الهی محسوب و در نوع خود بیسابقه و نظیر است ولی بحقیقت مکمل و متم نقشه های قبلیه است که در اجرای کامل منشور ملکوتی حضرت عبدالبهاء یکی پس از دیگری تنظیم و به اکیسل فتح و ظفر مکمل گردیده است . با آغاز این نقشه "جهانی" قوه قدسیه الهیه که بشهادت بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله ید قدرت پروردگار از شش هزار سال ^{قبل} از دور آدم در جهان پرورده و مقدر است بانمال عالم وجود را مسخر و آفاق را باشراق کوکب جهانتاب امر اعظمش منور سازد " (۱) به دهمین و آخرین مرحله " ارتقاء" خود وارد گشته است .

اکنون یکسال و چهار ماه یعنی شانزده ماه از آغاز این نقشه جهانی میگذرد شاید شما این سطور را وقتی بخوانید که کمی هم بیشتر از

(۱) نقل از ترجمه توفیق منیع بیت العدل اعظم الهی مورخ آپریل ۱۹۶۴

آن گذشته باشد یعنی بعبارت دیگر ما تقریباً یک ششم از فرصتی را که برای شرکت در این جهاد روحانی داشته ایم از دست داده ایم . البته در این مدت در سبیل نیل با اهداف عالیه آن نقشه الهیه توفیقات عظیمه و انتصارات جلیله نصیب جامعه عزیز جهانی بهائی گردیده که در منشور بیت العدل اعظم الهی مورخه رضوان ۱۲۲ بدیع مورد اشاره قرار گرفته و بدون شك طلیعه و مقدمه فتوحات عظیم تر در مراحل آینده آن می باشد .

در این مقام قصد آن نیست که از اهمیت هجرت در سبیل امر حضرت رحمان و یا عظمت نقشه بدیعه بیت العدل اعظم الهی سخنی گفته شود و نیز جای آن نیست که از فتوحات و انتصارات حاصله نام برده شود نیت آن هم نیست که صرفاً به تشویق خوانندگان عزیز بقیام بهجرت بسادرت شده باشد . اهمیت هجرت ، عظمت نقشه ذکر فتوحات و دعوت به خدمت همه و همه در آثار مبارکه امری و دستخط های منیعه دیوان عدل الهی باصرح کلمات و ابداع جنلات منصوص و مذکور گردیده است . بلکه غرض اینست که از زبان نفوسیکه خود مدتی خلوت این خدمت

آهنگ بدیع

راچشیده اند چند کلمه ای با خوانندگان عزیز
آهنگ بدیع سخن رانده شود .

بخاطر داریم وقتی نقشه نه ساله اعلان
گردید جمعی از احبای خدم و جانفشان الهی
در همان مراحل اولیه آغاز نقشه قدم در میدان
خدمت گذاشتند و با علم بتمام مشکلات که ممکن
بود پیش آید بنقاط لازم المهاجره شتافتند و
اکنون بکمال جد و استقامت بر خدمت امر الهی
قائمند . جمعی هم بکمال سعی و مجاهدت در
صدد رفع مشکلات و تهیه وسائل برای شرکت در
این مشروع جلیل میباشند نفوسی هم هستند که
با وجود آرزوی دل و جان بهیچوجه آمادگی برای
قیام بهجرت ندارند خون دل میخورند و بامید
موقعیت در آینده روز شماری مینمایند دسته
دیگری از دوستان عزیز هم هستند که با وجود دیکه
بفضل الهی وسائل کافی برای قیام بهجرت
دارند همیشه در حال طرح نقشه ، مشاوره
و اخذ تصمیم هستند شاید هم هیچوقت تصمیم
نمیگیرند و بعلت تأمل زائد از حد لزوم هرگز
از مرحله اندیشه و خیال خارج نمیشوند .

اشتیاقی وافر بشرکت در این جهاد روحانی دارند
ولی بواسطه ^{آینده} بیم از عدم تسلط بالسنه خارجه،
ترس از آتیه فرزندان و تحصیل آنان ، دوری از
وطن مألوف ، تصور دشواریهای غربت بیم از
عدم موفقیت و خود را قادر باخذ تصمیم
و ورود در میدان مجاهده نمی بینند . ایمن

نفوس محترمه اگر بیشتر در آثار مبارکه غور و تأمل
نمایند یقیناً خود را مستبشر و مستظهر ببینند
تأییدات الهیه خواهند یافت .
در آثار مبارکه برای نفوسیکه در راه
نصرت امر الهی قیام میکنند وعده نصرت داده
شده است چه در آثار مقدسه حضرت بهاء الله
چه در بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء وجه در
توقیعات منیعه حضرت ولی امرالله به کلمات
اطمینان بخشی بر میخوریم که زنگ شك و تردید
را از دل هر مؤمن مخلصی میزدانند .
جمال اقدس ابهی بنفسه المقدس با این کلمات
صریحه بیروان خویش را مطمئن میفرمایند :
” و نراکم من افقی الابهی و ننصر من قام
على نصره امری بجنود من الملاء الاعلی و قبیل
من الملائکه المقربین .”

حضرت مولی الوری چنین قسم یاد مینمایند :
” فوالله الذی لا اله الا هو اگر امروز
شخصی از اضعف مخلوقات بخدمت حق یردازد
تأییدات و توفیقات ربانی از هر جهت او را
احاطه نماید .”
کلمات مبارکه ذیل^{هم} از حضرت ولی محبوب
امرالله میباشد :

” کاتب تأیید و فیالق توفیق بامر سلیمان
سریر ملکوت حول عرش کبریا صف بسته کل
مستعد خروج و نزول و هجومند .”
نظیر اینگونه بیانات مبارکه در آثار مقدسه

الهیة فراوان و اعتماد و اطمینان ما بدانها بی نیاز از شرح و بیان است ولی بهجرات میتوان گفت مادامیکه انسان شخصا به نصرت امر الهی قیام نکند و بخدمت حق نپردازد نمیتواند آنچه را که شاهد^{شد} و باید معنی و مفهوم تائیدات الهیه را درک نماید بالعکس وقتی قدم در سبیل خدمت امر الهی میگذارد در هر قدم و در هر نفس توفیقات الهی را واضحاً بچشم سر مشاهده میکند و اتکاء و اعتمادش صد چندان میشود. جنود تائید را برای العین میبیند - "تائیدات و توفیقات ربانی" را کاملاً احساس میکند و "کتاب تائید و فیالقی توفیق" را در برابر خود صف بسته مشاهده مینماید.

اگر دفتر خاطرات هر یک از مهاجرین عزیز را که قدم در سبیل خدمت و مجاهدت گذاشته اند ورق بزنیم به خاطرات و وقایع بسیار شیرین و دلپذیر بر میخوریم که کل مبین "خروج و هجوم"^{ونزول} لشکریان تائید میباشند. مهاجرینی که حتی بدون دانستن زبان محلی در جایی مستقر و پسا ز مدت کوتاهی بزبان بیزبانی به تبلیغ امر الهی موفق گردیده اند زیاده اند در راه مهاجرت گذاشته و در اندک مدتی بر مشکلات فائق آمده اند کم نیستند شاید اگر ما موعود و مستبشر باین بیانات اطمینان بخش نبودیم وقوع این وقایع را بحساب معجزات می گذاشتیم ولی توجه باین وعود و یشارات

مارا متذکر میدارد که اگر معجزه ای هم در کار باشد معجزه نفثات روح القدس است که همواره طائفی حول خادمین امرالله و مهاجرین و مجاهدین فی سبیل الله میباشد.

غرض اینست نفوس محترمی که از رفاه و آسایش صوری و جسمانی بر خوردار و تقدم و پیشرفت امر الهی را شائق و مترصدند و مشکلات غیر قابل حلی هم در قیام بهجرت ندارند حیفاست بصرف بیم از آینده خود را دچار شک و تردید سازند و این دقایق و ایام گرانبها و غیر قابل تجدید را از دست بدهند دقایقی که بفرموده حضرت عبدالبهاء "جمع اولیا" در اعصار و قرون ماضیه گریبان و سوزان "آرزوی آنی از آن را می نموده اند و - ایامی که در آن "حقایق مقدسه ملا" اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع باین عالم مینمایند تا موفق بخدمتی بآستان جمال ابهی گردند" بلکه شایسته است با توکل تام و اعتماد تمام به تائیدات الهی و توفیقات ربانی و بیاس رفاه و آسایش صوری و جسمانی که دارند عنم خود را جزم نمایند و قدم در میدان مهاجرت گذارند. آنوقت است که آنان نیز مانند سایر مهاجرین نزول نفثات روح القدس را بچشم خواهند دید و با آنان همصدا شده باین کلمات مبارکه مترنم خواهند گردید:

"اگر چه ضعیف و ذلیل و حقیریم لکن ملجأ و پناه آستان آن حی تواناست و پشت و مشکا جبل

نصرو تائید رب بیهمتا" (مکاتیب مبارک ج ۱ ص ۴۲۳)

دین باید سب الفت و محبت باشد

www.iranicaonline.com

آنگر محمود مجذوب

چون از تنوع عالم سیر و سیاحت نمائی آنچه سموات از انفت
و محبت است و آنچه علم و راست از تنوع بغض و عداوت

حضرت عبدالهبار

تنبوب که در تصرف جنود نفس و هوی است بسیف
بیان و حکمت و تبیان مفتوح شود لذا هر نفسی که
اراده نصرت نماید باید اول بسیف معانی و بیان
مدینه قلب خود را تصرف نماید و از ذکر ما سوی
الله محفوظ دارد و بعد بمدائن قلوب توجه کند
اینست مقصود از نصرت ابدافساد محبوب حسی
نبوده و نیست ."

و حضرت عبدالهبار در یکی از الواح میفرماید
قوله الجمیل " ای احبای الهی الحمد لله امر
الهی در دور بهائی روحانیت محضه است تعلق
بعالم جسمانی ندارد نه جنگ و جدال است نه
تنگ و وبال نه نزاع با ام است و نه پر خاش با
قبائل و علل جیشش محبت الله است و عیشش
صهبا معرفت الله جنگش بیان حقیقت است و
جهادش با نفس اماره بد طینت . . . مظلومیت
کبری غالبیت است و محویت و فنا عزت ابدیه . . ."

ه - معاشرت با پیروان جمیع ادیان بروح

و ریحان .

در دیانت مقدس بهائی که ظهور رحمت کبری
و عنایت عظمی است اهل بهاء بر طبق نصایح
و تعالیم قلم اعلی مأور به معاشرت و مجالست

در این ظهور امنع اغز صمدانی که هدفش
ایجاد صلح عمومی و اتحاد بین المللی است و
اساسش بر الفت و محبت صرفه حقیقیه و تحسری
حقیقت نهاده شده حکم جهاد بکمال صراحت
از طرف شارع مقدس بهائی نسخ شده و اهل بهاء
مأمور بالفت و محبت با جمیع اهل عالم گشته اند
جمال مبارک در لوح بشارات میفرمایند قوله الاعلی
" یا اهل ارض بشارت اول که از ام الكتاب
در این ظهور اعظم به جمیع اهل عالم عنایت
شده محو حکم جهاد است از کتاب تعالی الکریم
ذو الفضل العظیم ."

فرد بهائی بر طبق نصایح و وصایای قلم اعلی
مأمور است که بعوض جهاد و حرب دینی و ترویج
و اثبات عقاید خود بوسیله جنگ و ستیز مدائن
قلوب را با سیف حکمت و بیان و حجت و برهان
و همچنین بکلمات لینه و اخلاق و صفات حسنیه
و محبت و الفت صرفه فتح کند . اینست که در لوح
سلطان ایران از قلم رحمن در معنی نصرت امر الهی
این کلمات دریات نازل قوله تعالی " . . . پس
نصرت الیوم اعتراض بر احدی و مجادله با نفسی
نبوده و نخواهد بود بلکه محبوب آنست که مدائن

آهنگ بدیع

عالم با یکدیگر بروج و ریحان معاشرت نمایند
عاشروایا قوم مع الادیان بالروح والریحان کذ لك
اشرق نیر الاذن والارادة من افق سماء امر الله
رب العالمین *

همچنین در این ظهور امع اقدس حکم
نجاست از افراد و اشیا برداشته شده و بهائی
هیچیک از افراد بشر را نجس نمی‌شمرد و همه را
صورت و مال الهی و مورد لطف و عنایت حضرت
باری میداند قوله تعالی فی کتابه الاقدس :

” و كذلك رفع الله حکم دون الطهارة عن
کل الاشیا وعن ملل اخری موهبة من الله انه
لهو الغفور الکریم .”

یعنی ۲ و همچنین خداوند حکم عدم طهارت را
از تمام اشیا عالم و سایر ملل رفع فرمود و این
موهبتی است از جانب خداوند زیرا که او غفور و کریم
است .

۶ - طرد طرفین اهل اختلاف و نهی از

نزاع و جدال

از آنجا که هدف و مقصد ظهور کلی الهی
در این دور مبارک ایجاد الفت و محبت عمومی
است لذا اگر دو فرد بهائی در مسأله ای از مسائل
دینی و یا در معنی و مفهوم آیه ای از آیات الهی
اختلاف نظر داشته باشند مادام که بکمال محبت
و صفا به بحث و مذاکره پرداخته و کشف حقیقت
نمایند مقبول است و لکن اگر این بحث و مذاکره منجر
به مجادله و مناقشه و ایجاد کدورت و اختلاف شود

با جمیع احزاب و ملل و موظف به ابراز محبت
نسبت به همه اهل عالم بدون توجه به نژاد
و مذهب و ملیت و جنس و طبقه میباشد . زیرا
دیانت عمومی بهائی بوحث اساس ادیان و وحدت
مظاهر مقدسه الهیه معتقد است و بیروان جمیع
ادیان را بندگان خداوند عالمیان میداند و بهمه
آنان بنظر محبت و احترام مینگرد لذا ستاینندگان
اسم اعظم که از عذب فرات تعالیم و مواعظ
قلم اعلی سیراب گشته و در سراپرده وحدت و یکرنگی
مظهر کلی الهی داخل شده اند بیروان سایر
ادیان را بعلت تفاوت عقیده و مرام تکفیر و تحقیر
نمیکنند و آتش اختلاف و جدائی را دامن نمی‌زنند
بلکه بکمال روح و ریحان با اهل کلیه ادیان
و مذاهب معاشرت و آمیزش مینمایند و همواره باین
بیان احلای جمال اقدس الهی گوش هوش فرا
داده اند که در لوح طرازات میفرمایند قوله
تعالی و تقدس ” طراز دوم معاشرت با ادیان
است بروج و ریحان و اظهار ما اتی به مکلم الطور
و انصاف در امور اصحاب صفا و وفا باید با جمیع
اهل عالم بروج و ریحان معاشرت نمایند چه که
معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست
و اتحاد و اتفاق سبب نظام عالم و حیات امم
است طوبی از برای نفوسی که به حبل شفقت و
رأفت متمسکند و از ضحینه و بغضاء فارغ و آزاد ”
و نیز در لوح بشارات نازل قوله الاعلی
” بشارت دوم اذن داده شد احزاب

آهنگ بدیع

بندگان خداوند یگانه اند و گواهانی هستند بر اینکه خدائی جز او نیست .
و در کتاب مبارک عهدی نازل قوله الجلیل " از لعن و طعن و ما یتکدر به الانسان اجتناب نمائید " و در لوح بشارات این کلمات دریات نازل " یا اهل بهاء شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید لسان را به سب و لعن احسدی میلانید . . . " و در لوح خلیل میفرمایند " ای خلیل در جمیع الواح شداد که ذکر ایام شداد در او شده کل عباد را بنصایح مشفقانه نصیحت نمودیم که احدی متعرض احدی نشود و نفسی با نفسی مجادله ننماید . "

۸ - اهمیت صبر و تحمل در بلایا و عدم

مقابله بمثل .

صبر و بردباری در مقابل بلایا و مصائب در حیات روحانی بهائی بغایت مدوح بوده و جمال قدم آنرا یکی از علائم محبت و ایمان مؤمن حقیقی نسبت بمولا و محبوب خود دانسته اند چنانکه در کلمات مبارکه مکنونه میفرمایند . " یا ابن الانسان لكل شیئی علامة و علامة الحب الصبر فی قضای و الاضطبار فی بلائی " (۱) در این ظهور مبارک تحمل بلایا و رزایا وسیله قوت روح و تزکیه نفس و صفای قلب دانسته شده و فرد بهائی بلایا و

(۱) یعنی - ای پسر انسان از برای هر چیزی علامتی است و نشانه محبت بمن همانا بردباری در قضای من و شکنجائی در بلای وارد از جانب من است

مقبول حتی نبوده بلکه طرفین اختلاف مردود درگاه الهی و محروم از رحمت حضرتش خواهند بود .
در لوح جمال طلعت بی مثال باین کلمات علیا ناطق " حق شاهد و گواه است که غری از برای امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت بین احباب نبوده و نیست . " و حضرت عبد البهاء در لوح ثابت مراغه ای میفرمایند :
" جدال و نزاع بکلی ممنوع حتی بصریح نص الهی طرفین محروم "

۷ - نهی از اعتراض و استکبار و سب و لعن

نسبت بیکدیگر .

چون دیانت مقدس بهائی بمساوات حقوق بشر معتقد است و همه افراد بشر را بندگان خداوند یگانه میداند لذا در این ظهور مبارک حق امر بمعروف و نهی از منکر از افراد اخذ شده و احدی حق اعتراض یا افتخار و استکبار برد دیگری را ندارد فقط محافل مقدسه روحانیه و در مستقبل ایام بیوت عدل که اجتماع نمایندگان منتخب جامعه است میتوانند هرگاه از فردی عملی برخلاف مصالح امرالله و مفایر شعائر دین الله مشاعده نمودند به نصیحت و انداز بردازند قلم اعلی درام الکتاب این دور مبارک باین کلمات ناطق " لا یعترض احد علی احد " و نیز میفرمایند لیس لاحدان یفتخر علی احد کل ارقاء له و ادلاء علی انه لا اله الا هو "

یعنی : کسی را حق افتخار برد دیگری نیست همه

آهنگ بدیع

و محبت محبوب حقیقی بکمال میل و رضا تحمل
مصیبت و بلا نموده و در نهایت سرور و شادمانی
بمیدانگاه فدا و قربانی شتافته اند و یا بهنگام
ظهور اذیت و آزار ارباب ظلم و عدوان امور خود
را بخداوند علیم و منتقم قدیر واگذار کرده و در
نهایت ثبات و سعه صدر بعفو و اغماض معامله
نموده اند و همواره باین بیان مبارک حضرت
مولی الوری توجه داشته اند که میفرمایند قوله
العزيز " ... باید بهائیان رحمت عالمیسان
باشند و خیرخواه جهانیان اگر در هر دم هدف
هزار سهم گردند شکوه ننمایند آزردن نشوند
شکرانه کنند که الحمد لله تیر خوردند و شهید
و شیر دادند ضربت دیدند رحمت نمودند . معرض
نقمت شدند خوان نعمت گسترند طعن و لعن
شتیدند مدح و ستایش نمودند اینست وصایای
جمال ابهی روحی لاجباً الفدا هنیئاً لمن عمل
بهذه الوصایا التي تتنور بها الافاق ."

"اشراق نهم دین الله و مذهب الله محض
اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم
نازل گشته و ظاهر شده آنرا علت اختلاف و نفاق
مکنید سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و
اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعه ربانی
بوده و نمو عالم و تربیت ام و اطمینان عباد
و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی ."

و قضایای الهی را شاکر و حامد بوده و آنرا حاکی
از حکمت و رحمت حق تعالی میداند و هیچگاه
لسان به شکوه و شکایت نمیگشاید لسان عظمت
در لوح شکر شکن در باره اثرات بلا میفرماید " ما
بدعا بلارا طالبیم تا در هوا های قدس روح پرواز
کنیم و در سایه های شجر انس آشیان سازیم " و
در کلمات مقدسه مکتونه میفرمایند " بلائی عنایتی
ظاهره نار و نعمة و باطنه نور و رحمة "

همچنین در این آئین نازنین انتقامجویی و مقابله
بمثل که ایجاد نفاق و نزاع مینماید مذموم بوده
و اهل بها در مقابل ظلم و جفا مأمور به مهر
و وفا و محبت و صفا میباشند و هرگاه مورد ظلم و
ظغیان ارباب جور و عدوان قرار گیرند موظفند
باولیای امور مملکتی مراجعه نموده و استمداد
جویند و در صورت اهمال و قصور آنان امور خود
را به رب غیور و منتقم حقیقی تفویض نمایند .
جمال ابهی در این خصوص میفرمایند قوله تعالی
" و اذا عوقبتم فعلیکم بولاه الامور و ملاذ الجمهور
وان اعطتم فوضوا الامور الی الرب الغیور هسذه
سمة المخلصین و صفة الموقنین " (۱)

در طول تاریخ مشعشع و درخشان امر الله
بسیار بوده اند نفوس مبارکی که در راه عشق

(۱) یعنی - زمانیکه مورد اذیت و آزار قرار گرفتید
به اولیای امور که ملجاء و پناه مردمانند رجوع
کنید و اگر اعطال کردند امور خود را به پروردگار
غیور واگذارید اینست نشانه مخلصین و صفت موقنین .

لعل دوست

غلامرضا روحانی

ما مست لعل دوست نه از جام باده ایم
جانها برهن این هی گلگون نهاده ایم
زان ساغریم سرخوش و زان باده ایم مست
کاین سان زدست رفته و از پافتاده ایم
افتاده ایم در ره تسلیم همچو گاه
چون کسوه در مقام رضا ایستاده ایم
درهای دشمنی ز همه سمت بسته ایم
ابواب آشتی بهمه سو گشاده ایم
عهد وفاق بسته و بریک عقیده ایم
دست از نفاق شسته و بایک اراده ایم
سرگشته مردمند بهر کوره راه و ما
از لطف دوست رهرو این شاه جاده ایم
افتادگی زلف تو آموخت کاین چنین
مشغول دستگیری هر او فتاده ایم
چون انتسابمان همه بر اسم اعظم است
یک قوم و یک عشیره و یک خانواده ایم
در آستان حضرت شوقی ز فرط شوق
از پافتاده ایم و دل از دست داده ایم
روحانی از بیان بدیعی شنید و گفت
ما مست لعل دوست نه از جام باده ایم

آهسته آهسته

چو دلبر پرده بگرفت از جمال آهسته آهسته
شب هجران بشد صبح وصال آهسته آهسته
چه غم کز هجر قوس ابرویش بستم هلالی شد
که فرص ماه میگردد هلال آهسته آهسته
شبی همراه شب خیل خیال آمد بیالینم
نمودم گفتگوها با خیال آهسته آهسته
بچشم عشق و مستی فاش دیدم طلعت ابهی
عقب زد پرده از شمس جمال آهسته آهسته
ز احوال دلم پرسید از دل ناله سر کردم
بگفت از ماجرا ای دل بنال آهسته آهسته
بگفتم بی تو هر دم بگذرد صد سال از عمرم
بگفتا بگذرد این ماه و سال آهسته آهسته
بگفتم انتهای شام هجران را نمیدانم
بگفتا میدم صبح وصال آهسته آهسته
نهال صبر و کوشش میوه توفیق بار آرد
بصبر آسان شود امر محال آهسته آهسته
بکن تا میتوانی دستگیری زیر دستا نرا
که گیرد از کفت گردون مجال آهسته آهسته

پو "اوجی" را بود نقصان امیدش روز و شب باشد
ز فیض دوست در یابد کمال آهسته آهسته

سفری بگریتلند



گریتلند بزرگترین جزیره * دنیا است که تقریباً ۹۰ درصد آن از یخ پوشیده می‌باشد و فقط حواشی و اطراف آن قابل سکونت است این سرزمین یخندان شمالی از ۴ هزار سال قبل مسکون بوده و میگویند اسکیموهای نواحی قطبی کانادا از راه Thule در زاویه شمال غرب گریتلند قدم باین اقلیم نهادند و مردم اروپا تا اواخر قرن دهم

میلادی از وجود گریتلند بیخبر بودند تا آنکه یک سده از ملاحان و دریا نوردان ماجراجوی ایسلندی که اصلاً از نروژ آمده بودند برهبری Erik de Rode "اریک سن" بجنوب گریتلند رسیدند و در مراجعت بایسلند داستان کشف یک سرزمین ناشناخته را برای دیگران با آب و تاب نقل نمودند و برای تشویق آنان بهمراهی و مهاجرت بآن جزیره نام آنها گریتلند نهادند "سرزمین سبز و حال آنکه در حقیقت قسمت اعظم جزیره مستور از یخ و برف بود در حدود ۲۰۰ سال قبل بازیک نفر کشیش نروژی بنام هانز اگده Hans Egede برای بسط و انتشار مسیحیت بگریتلند رفت و با خلوص و فعالیت موفق شد شریعت حضرت مسیح را در آن اقلیم



آهنگ بدیع

آمن دانمارك نیز میباشد . مشار الیها در سال ۱۹۲۵ امر مبارك را در جزیره " هاوائسی از فخر المبلغین و المبلغات میس مارثاروت شنیده و بعد ها در دانمارك بشرف ایمان فائز گردید و بارض مقصود شتافت و حضرت ولی امرالله و حضرت ورقه علیا را زیارت و دستورات کانی و شافی برای تبلیغ امر در دانمارك از فم اطهر استماع نمود . کتساب بها" الله و عصر جدید ، بها" الله و پیامش را به دانمارکی ترجمه و برای مشاهیر نفوس دانمارك ارسال داشت بعد هم بر حسب تعلیمات مبارك حضرت شوقی افندی کتاب " ایقان " و کلمات مکتونه را ترجمه و طبع کرد . مترجم دو کتاب اخیر از متن فارسی " پروفیسور کای بار " استاد مؤسسه زبانهای ایرانی دانشگاه کینهاک میباشد باری پس از اتمام جنگ دوم جهانی خانم " هوگ " بها" الله و پیامش را پس از ترجمه بزبان گرینلندی و طبع آن در دانمارك به دهها ایستگاه رادیو و تلگراف و مشاهیر افراد گرینلندی ارسال داشت این مطلب را حضرت ولی امرالله حتی در توابع مبارکه فارسی اشاره فرموده اند که بهمت گیری از کنیزان الهی در اقالیم شمالی آثار امری بنقاط دور و نزدیک آن جزیره ارسال شده است .

سالها بعد يك جوان بهائی نروژی " پالسه بیشاف " که اکنون عضو محفل ملی دانمارك است و سپس خانم " کایا هولك " دانمارکی در ساحل غربی گرینلند برای مدتی هجرت و اقامت نمودند

بمردم تعلیم دهد . اکنون بیاد او این شهر بر جمعیت گرینلند را Egedsmomde نام نهاده اند و بی را حواری یا رسول گرینلند Apostle of Greenland میخوانند .

گرینلند از چند قرن پیش جزء مستملکات دانمارك محسوب شد ولی ترقی و تحول زندگی ساکنین آن فقط از ۵۰ سال پیش شروع شد و بخصوص از سال ۱۹۵۰ فعالیت های عمرانی با سرعت آغاز شد و تغییرات وسیع و قابل ملاحظه ای در همه شئون زندگی گرینلندیها بوجود آورد و فرهنگ و تمدن " شکار " را بنحو حیرت انگیزی بصورت مدنیته پیشرفته و مترقی غربی متحول ساخت . گرینلندیها که از نژاد اسکیمو میباشد حدود ۳۵ هزار نفر هستند که در آبادیهای متفرق و شهر های کوچک ساحل جنوب و غرب گرینلند و معدودی در شرق و شمال زندگی میکنند . در کانادا و آلاسکا و نقطه شمال شرق سبیری هم حدود ۳۰ هزار اسکیمو در نواحی قطبی بشکار مشغولند و زبانشان خیلی بهم شباهت دارد قریب نیم قرن پیش در بحبوحه جنگ اول جهانی قلم میثاق مخاطب باحبای کانادا در ضمن لوحی اشاره بساکنین جزیره گرینلند فرموده و یساران را بهدایت آنان بسبیل ایمان دلالت فرمودند .

نخستین فردی که افتخار اجراء فرمان ملکوتی حضرت عبدالبها را در مورد تبلیغ امر بگرینلندیها یافت خانمی است دانمارکی بنام یوهانا هوگ Johanne Hoeg که اول مسن

آهنگ بدیع



در اقصی نقطه شمالی گرینلند Thule که ایستگاه نظامی امریکائی است یکی از جوانان بهائی ممالک متحده چند سالی مشغول کار و خدمت بود .

خانم هوگ از تابستان ۱۹۶۳ ب فکر سفر گرینلند افتاده و با وجود تقدم سن و ضعف بنیه جدادر اجرای این نیت همت گماشتند اشکال مهم این سفر طولانی این بود که بفرض سفر در چه محلی اقامت کنند زیرا گرینلند هتل و مهمانخانه ای ندارد این مشکل بسهولت حل شد چه که " عنریک السن " یکی از گرینلندیهای صاحب اعتبار و دانشمند ساکن شهر کوچک Upernavik پس از اطلاع از این تصمیم ایشانرا دعوت کرد که در منزل وی و بین خانواده او اقامت کنند . باری بر حسب تشویق و دلالت مشار الیهها این جانب نیز همم گردید که در این سفر ایشانرا همراهی نماید . اول جولای ۱۹۶۵ از کپنهاک پرواز نمودیم و مسافت ۳۸۰۰ کیلومتر را چهار ساعته پیموده و به تنهسا فرودگاه غرب گرینلند رسیدیم و بعد با هلیکوپتر بشهر Egedsmindه عزیمت کرده و سه روز اقامت کردیم . در تحت الطاف و تائیدات جمال ابهی ندای امر بدیع پس از ۲۰ سال از ورود اول مبشر مسیحی و ۵۰ سال از نزول فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء بمساع مردم باکدل گرینلند رسید . با همکاری و مساعدت رهبر کلوب جوانان محل ترتیب یک جلسه تبلیغی در محل باشگاه

داده شد و اعلان بدو زبان دانمارکی و گرینلندی تهیه و در میدان کوچک شهر نصب گردید . غروب یکشنبه بود که بمحل رفتیم و با اشاره و دستور خانم هوگ ابتدا تاریخ و تعالیم امر بدانمارکی بیان گردید که توسط همان لیدر جوانان گرینلندی بزبان بومی ترجمه میشد آنگاه " اسلاید های " رنگی از مناظر زیبای اماکن متبرکه در کوه کرمسل و عکا و نیز جریان گنگره لندن نشان داده شد و بعد بسواالات حضار که قریب ۴۵ نفر بودند پاسخ داده و سرانجام جزوات امری دانمارکی و گرینلندی توزیع گردید . این نخستین جلسه عمومی تبلیغی در گرینلند بود که بحمد الله بخوبی و موفقیت گذشت در آن شهر با عده ای از افراد گرینلندی تماس خصوصی گرفتیم . از آن جمله شخص متنفذ و مشهوری که سالیان پیش با خانم هوگ مکاتبه و زاجع بامر استفسار نموده بود و نیز با کشیش شهر و رئیس کتا بخانه محل که کتب امریه

آهنگ بدیع

را برای استفاده عموم دریافت نمود . سپس با کشتی سه روز و سه شب از میان قطعات بزرگ و کوچک یخ Iceberg در فیورد های غرب گرینلند قطع طریق نمودیم تا به Upernavik رسیدیم که قریب ۶۰۰ نفر جمعیت دارد . خانم هوک بمنزل هنریک السن رفتند و اینجانب هم در منزل کشیش شهر که توسط جوانی دانشجوی اهالی گرینلند بیکدیگر معرفی شده بودیم اقامت نمودم . در طی نه روز اقامت در این شهر کوچک قلبی باز توفیق تشکیل یک جلسه عمومی تحری حقیقت بهمت هنریک السن مذکور و رئیس کانون جوانان گرینلندی حاصل شد . آگهی این جلسه هم به گرینلندی و دانمارکی در معبر عمومی نصب گردید بیش از یکصد نفر منجمده عده ای دانمارکی سالن جلسه را پر کرده بودند و هیچ محل خالی باقی نماند . قبلا یک نمایشگاه کوچک از آثار امری منتشره بدانمارکی و نروژی و انگلیسی و حتی چند جزوه فارسی و عکسهای زیبای اماکن امریه در همان سالن ترتیب داده شده که خیلی مورد توجه قرار گرفت همچنین پیام امر بدیع بدانمارکی ابلاغ و بگرینلندی ترجمه شد و آنگاه بنمایش اسلایدها پرداختیم . کلیه جزوات گرینلندی و دانمارکی و حتی عکسها را شرکت کنندگان بردند .

باری در این شهر نیز با عده ای ملاقات خصوصی نمودیم و با جناب هنریک السن اکثر روزها مذاکرات امری بمیان میآمد و هم او بود که خود بشخصه

اظهار ایمان نمود و تقاضای تسجیل کرد . غروب ۱۵ جولای در یک جلسه کوچک سه نفره در منزل وی پس از تلاوت مناجات و در حالیکه هر سه نفر تلویمان از شرف و ابتهاج مالمسال بسود بجامعه عظیم امر ملحق گردید . وی اول مسن آمن گرینلند (از نواد اسکیمو) است . فرد فاضل و مشهوری است و تاکنون ۱۴ کتاب از دانمارکی به گرینلندی ترجمه کرده که ۷ فقره از آنها طبع و انتشار یافته است . سرکار خانم هوک از چند سال پیش با وی مکاتبه داشته و او را با امر آشنا نموده بودند . جناب السن که قبلا یک جزوه امری را بگرینلندی ترجمه کرده قبول داده که امسال زمستان (که چهارم تاریکی مطلق در آن قسمت حکمفرماست و رابطه آن با سایر قسمت های دنیا بالکل قطع میشود) دست بترجمه کتاب "بهاء الله و عصر جدید" بگرینلندی بزنند .

باری با قایق موتوری دو سفر امریک بمسدت دو روز بشمال و جنوب " اوپر ناویک " نموده و در آبادیهای کوچک که مسکن اسکیموهاست بسیاحت و تماشای زندگی مردم بوی پرداختم و بادانمارکی با آنها مکالمه مینمودم و ناگفته معلوم است آنها از دیدن قیافه یکنفر خارجی چه اندازه متحیر و متعجب بودند و لکن چون ذاتا مردمی آرام و خوش قلبند لذا مرا در تهیه جا و مسکن که اکثرا در محل کلیسا یا مدرسه بود کمک میکردند .

کتابها و الحاق

.....

را از عقب بردند نهذیرفت و با قدم عشق سنگلاخ
جبال را ببیمود تا بمحضر محبوب تشریف یافت و کام
دل از زیارت و استفاضه گرفت و از آن پس دست
از شغل خویش کشید و بنشر تبلیغ امر بدیع مشغول
گردید و در ایامی قلیل بنام بابی در آن حدود
مشهور شد و پدرش بمضادت برخاست و چون از مح
و مقاومتش عاجز ماند شکایت و سعایتی در پی
از او نزد حاجی میرزا آقا سی فرستاد ولی او چنان
شیفته و آشفته امر نقطه البیان بود که بدان امور
اعتنائی ننمود و روز بروز در مقامات باطنیه و کمالات
معنویه ترقی و عروج یافت و عننگاهی که نقطه اولی
امر فرمود چهل تن از اصحاب هر یک رساله
اثباتیه در حقیقت این امر بنگارند و شواهد و بیناتش
را با آیات آفاق و انفس و کتب و آثار مقدسه مقرر
نمایند و صحائف اربعین که صادر از اقلام مهیمن
و خصیصین بود بمحضر اعلی رفت در آن میان رساله
اثباتیه میرزا اسدالله را با اینکه هنوز در سال
نخست عرفان و ایمان بود نیک پسندیدند و ویرا
بتطبیق عدد ابجدی حروف اسد با دیان بآن
نام مفتخر فرمودند و توقیع ضیع مشهور بنام حروفات
(بقیه در صفحه ۲۸۴)

و از مشاهیر بابیان خوئی میرزا اسد الله
دیان مولد و منشأش شهر مذکور و تحصیلات ادبیه
و علمیه اش در آن حدود و والدش از نویسندگان
و مستوفیان دولت محمد شاهی و مقرب و منتسب
مخصوص حاجی میرزا آقاسی بود و در السنه * فارسی
و ترکی و عربی و عبری و سریانی با رع و ادیب شده
در دائره دولتی بشغل انشاء مراسلات و استیفا
امور مالی و محاسبات اشتغال جست و بغایت عزت
و شهرت زیست و در ایام حبس حضرت نقطه اولی
در ماکو با بابیه ارتباط یافت و مدتی طولانی
احتجاجات و مناظرات دینیه نموده اطمینان و تسلیم
حاصل نکرد بالاخره بواسطه * میرزا محمد علی
زنوزی معروضه بآن حضرت در سجن چهریق فرستاد
و تعبیر آنچه را که در عالم رو یا مشاهده کرده با
تفسیر دو آیه قرآن را در نظر گرفته عقد قلبی بر آن
بست و خواست احاطه باطنیه آن بزرگوار را بداند
و همینکه توقیع در جواب وی رسید و حل حقایق
مستوره در رو یا و اسرار مکنونه آیتین را در آن
مطالعہ کرد چنان مجذب و از خود بیخبر گردید که
بیاده بصوب چهریق شتافت و با آنکه اسب سواریش

اوله مامل

مقدور باشد از زیر نور ماه نگذرند . زیرا چنیسن اعتقاد دارند که مهتاب اثرات سو* بیشماری دارد يك فرد موهوم پرست کوبائی بهیچ عنوان در زیر نور ماه نمیخواهد چون فکر میکند که این عمل علاوه بر مضرات دیگری که دارد موجب میشود دهان وی کج شده بيك طرف صورتش کشیده شود . در کوبا آوای جغد بفال بسیار بد تعبیر میشود و کوبائیهای خرافاتی کلیه این نوع پرندگان را که در حوالی منازلشان صداهاى غیر عادى از خود در آورند از بین میبرند و باندیشه خود طلسم سر نوشت را میشکنند و از مرگی که ممکن است در آتیه نزدیکی بسراغ یکی از افراد خانواده آید جلوگیری مینماید . در مصر ایبیس Ibis که پرنده اى شبیه لك لك است و در دریاچه ها و باطلاقههاى مناطق گرمسیر یافت میشود مقدس بشمار میآید و آنرا بواسطه رنگ پرهایش نمایندۀ نور ماه و سایه آن میدانستند و معتقد بودند که پرهای این پرنده (کروکدیل) را متوحش ساخته و حتی این حیوان را میکشد و همین پرنده کشور مصر را از گزند افعى و مارهای بالدارى که از عرستان باین سر زمین

در گریزند موقعى که طفلى میمیرد سگ زنده اى را با جسد طفل دفن میکنند تا درد نیای دیگر سگ راهنمای طفل باشد و اگر در این باره از آنان سو* ال شود جوابی که میدهند اینست که " سگ هر جا که باشد راه خود را می یابد " در برزیل موهومات و خرافات فراوان است سالی یکبار چند تن از مردان کلیسیا هیكلی را بصورت یهودا (معمولا با موی قرمز و ریش خاکستری) ملبس نموده باو باش میسپرنند و در خیابانها میگردانند و سنگ و اشیا* دیگر بسوی آن پرتاب نموده پس از قطعه قطعه کردن آنرا در میدان شهر آتش میزنند در همین مملکت در بعضی از جشنها و اعیاد ملاحان نظیر همین هیكل را لباس پوشانیده و پس از آنکه انواع تومین و خواری بر آن روا داشته آنرا به دگل کشتی میآورند .

در کوبا معتقدند که خواص زیادى در آب باران ماه می نهفته است که در باران هیچیک از ماههای دیگر سال دیده نمیشود . در کوبا مهتاب بسیار نامطبوع است و خارجیان را بر حذر میدارند که با سر برهنه از زیر آن عبور ننمایند و چنانچه

آهنگ بدیع

نی نشست زیرا در اولین جنگی که بسال ۱۸۶۳ نمود روی اسب خاکستری رنگ سوار شده و معتقد بود که پس از آن تعویض اسب برای او مرگ بسیار خواهد آورد .

کشور پهناور هند مرکز خرافات عجیبه و عقاید موهومه* عدیده است. هنگامیکه یکنفر هندو در رودخانه گنگ باجرای غسل سحر مشغول است اگر عطسه کند علامتی صلیب وار میکشد و اگر در حین ادای نماز انگشتانش با پیشانی ^{که} بینی ^{که} چانه یا گونه هایش تماس حاصل کند نماز و دعای خود را از ابتدا تجدید مینماید و هر چند بار که ایمن اتفاق تکرار شود ادای نماز نیز تجدید میگردد .

در هندوستان (مانند ایران) کسی را نباید علنا مورد تحسین و تعریف قرار داد زیرا ممکن است چشم زخمی به ان شخص وارد شود . اگر کودکی را با دیده * تمجید و تحسین نگاه کنید مادر طفل فوراً او را از آن محل بیرون برده و یا کودک را با دست میزند و یا کلماتی بر زبان میآورد تا چشم زدگی را باطل نماید و حسادت خدایان را فرو نشاند . هندوئی که از زگیل در زحمت است اگر به ماه نو نگاه کند و مقداری از خاک زیر پای چپ خود بزگیل بمالد هنگام غروب ماه زگیل او نیز بر طرف شده و از بین خواهد رفت .

در ترکیه معتقدند اگر گربه باطاتی وارد شود که در آن شخصی در حال احتضار باشد و قبل از بیرون کردن آن از اطاق از روی جسم شخص

آمده رهائی بخشیده است این برنده دارای چنان احترام شدیدی بود که میتوانست آزادانه و بدون هیچگونه ممانعتی وارد مقدس ترین معابد مصر شود . کشتن این برنده ولو بطور اتفاقی جنایتی عظیم بشمار میرفت که مجازات آن اعدام بود . پس از مرگ برنده لاشه* آنرا مومیائی مینمودند و در شهرهای مختلف مصر هزاران جسد مومیائی شده آن پیدا شده است .

در مانکسلند Manxland عادت بر این است که در شبهای طوفانی اعضای خانواده هر چه زودتر بر تخت خواب بروند تا پریان بتوانند بدون آنکه دیده شوند وارد خانه شده برای استراحت خود بناگاهای بیابند .

در شمال ایرلند چنانچه مرغ (سینه سرخ) وارد منزل شود اهل منزل بسیار وحشت میکنند زیرا آنرا علامت پیش بینی کننده ریزش برفهای سنگین و یخ بندان میدانند .

در جاوه موقعیکه در دریا دنبال جسد مفروقی میگردد گوسفند زنده ای را به آب میاندازند و معتقدند در محل غرق شدن گوسفند جسد شخص مفروق را خواهند یافت .

در روسیه مردم عوام در دست مردگان خود یک گوا همینامه اخلاق مینهند تا در مقابل دروازه های بهشت آنرا به بطرس مقدس ارائه دهند . ژنرال (اسکولف) Skobelef

روسی هیچگاه در جنگها جز روی اسب خاکستری

آهنگ بدیع

سر خود باشد .

ملاحان نروزی بوجود آدم دریائی که بدن او بشکل ماهی و سر او بصورت انسان و دست و زلفانی چون یک پسر بچه دارد معتقدند این موجود روی امواج دریا مینشیند و عارپ (چنگ) مینوازد و مانند ماهیگیران نروزی کلاهی قرمز رنگ بر سر دارد و در هر هفت سال یکبار دیده میشود و جمیع کشتی هائی را که در معرض دید او قرار گیرند نابود میسازد . در نروزی برای یافتن جسد شخص مفروق خروسی همراه برده و در قایقی نشسته و مشغول گشت میشوند بدین انتظار که خروس در محلی که جسد غرق شده است آواز سر داده و جسد مفروق یافته شود .

در ایطالیا مار را صدمه ناپذیر میدانند اگر در فصل جمع آوری انگور که معتقدند مارها در موستان ها مست میشوند و آنگاه میتوان آنها را کشته از بین برد ولی گشتن مار بلا و مصیبت مهیبی برای شخص و خانواده او بیار خواهد آورد . اعتقاد شدید دهقانان ایطالیا بر اینست که مار را نگهبان گنجهای مدفون میدانند و میگویند بطور کلی مار در اماکی لانه میکند که این قبیل گنجها در آنجا وجود داشته باشد . در سیسیل عقیده * چشم زخم حتی در میان طبقات بالا و روشن فکر شدیدا وجود دارد بنحوی که هیچکس بدون حمل یک طلسم خود را مصون نمیداند . عقیده * موهوم دیگر این کشور آنست که اگر گرد و خاک زمین بطرف پاهای دختر

محتضر عبور کند مرد محتضر و گریه هردو بصورت ارواح سرگردان در آمده و از آن پس تا ابد بسا مکیدن خون مردم زیست خواهند کرد . اگر کسی قطعه نانی را روی زمین افتاده ببیند باید آنرا برداشته ببوسد و همراه ببرد تا آنرا در سوراخی جای دهد و اگر آنرا بر ندارد یا پای آن بگذارد گناه غیر قابل بخشایشی را مرتکب شده و این عمل او را به طبقه سوم جهنم خواهد فرستاد و در آنجا گاوای که فقط یک شاخ در وسط پیشانی دارد او را سوراخ سوراخ خواهد نمود . اگر برگ سرخ رنگ گل یا درختی را ببینند که در حال افتادن بروی زمین است آنرا علامت بدبختی میدانند و بهمین سبب اکثرا توجه مخصوصی به گلهای و برگهای خشک درختان دارند و آنها را با دقت جمع نموده سعی میکنند از افتادن آنها بروی زمین جلوگیری کنند .

در انگلستان نیز مانند سایر نقاط جهان عدد سیزده را نحس میدانند و چنانچه سیزدهم ماه با روز جمعه تصادف کند در آنروز بانجام هیچگونه کاری مبادرت نمیورزند و حتی از اتومبیل رانی خودداری میکنند . انگلیسیها باز کردن چتر را در درون منزل و همچنین عبور از زیر تریبان را منحوس میدانند . اگر کسی آئینه ای را بشکند تا هفت سال نحوست آن دامگیر وی خواهد بود . اگر کسی نمک را از نمکدان روی میز یا جای دیگر بریزد برای جلوگیری از اثر سو * این عمل باید مقداری از نمک ریخته شده را با انگشتان از روی شانه ها به پشت

آهنگ بدیع

جوانی جارو شود آن دختر هیچوقت شوهر نخواهد کرد. گل تلگرافی (نوعی گل است) در ایتالیا بنام گل مرگ خوانده میشود و علت آنست که از قدیم الایام از این گل تاجی میساختند و در مرگ اطفال بکار میبردند.

در ژاپن عبور از دماغه کشتی خارجی را موجب خوشبختی میدانند و غالباً برای انجام این عمل مخاطرات سنگینی را متحمل میشوند. ژاپنیها در مورد ناخن عقاید عجیبی دارند از جمله چیدن آنها قبل از مسافرت جایز نمیدانند و گرنه قبل از رسیدن بمقصد سوانح و ناامیلاتی برای آنان روی خواهد آورد. چیدن ناخن در شب نیز خسوش آیند نیست. انداختن ناخنهای چیده شده در آتش مصیبت بار خواهد بود و چنانچه تکه ای از آن هنگام چیدن در آتش افتد صاحب آن بزودی خواهد مرد. استفاده از بسیاری از گلهای زیبا و محبوب مانند گل نعلب گل کوشاد و گل آچالیه (ازالیا) در مواقع شادمانی اکیداً ممنوع است.

بعضی از گلهای را اشرافی میدانند و گلهائی از جنس زنبق و سوسن را لایق شاهزادگان میشمرد و لسی نشر بزرگ ارغوانی که اینگونه گلهای دارند نباید آنها را در مراسم ازدواج بکاربرد. نسبت به چند نوع گل اصولاً نظر خوبی ندارند مثلاً کاملیا را منفور میدانند زیرا غنچه های سرخ رنگ این گل بنحوی بر شاخه خم شده است که آنها را بیاد سرهای بریده میاندازد.

در میشیگان امریکا گردوی امریکائی و شاه بلوط را دشمنان روماتیسم میدانند در نیویورک جرسی شاه بلوط خوشبختی میآورد بعضی از امریکائیهها حلقه ای از سیب زمینی که از ریسمانی عبور داده اند بر خود نصب میکنند و بعضی دیگر یک عدد سیب زمینی در جیب خود همراه میبرند تا از بیماری روماتیسم در امان مانند. البته اگر این سیب زمینی از جایی دزدیده شده باشد اثر آن بیشتر است. اگر یک عدد جوز هندی را سوراخ کرده از نخ میگذرانند و مگردن آویزند اینکار از بروز کورک - خناق و درد اعصاب جلوگیری خواهد کرد. در بعضی نواحی ماساچوست Massachusetts اعتقاد بر اینست که گاو آینده را پیش بینی میکند و اگر بعد از نیمه شب بصدا در آید علامت اخبار از مرگ در خانسواده است. در میان کوه نشینان ویرجینیای غربی آواز خروس در مقابل در ورودی رسیدن مهمانی را خبر میدهد. در کیپ کد Cape God و بسیاری از نواحی دیگر از جمله نیوانگلند New England معتقدند که شخص بیمار قبل از شروع جزر دریا نمیتواند جان بسپرد. در نیوانگلند ملاحان استخوان لاک پشت زنده و ریگ آشیانه عقاب دریائی و استخوان کوچکی از سرماهی روغن را بعنوان طلسم با خود حمل میکنند.

در Connecticut عقیده دارند که لوییا و سیب زمینی را باید در آخرین روزهای ماه

شانزدهمین کانوشن ملی جوانان بحالی ایران

شانزدهمین کانوشن ملی جوانان از بعد از

ظهر روز چهارشنبه ۸ شهر العزه ۱۳۲۲ بدیعی مطابق ۲۴ شهریور ماه ۴۴ با حضور حضرات ایادی امرالله جناب شعاع الله علائی و جناب دکتر علی محمد ورقا و معاون محترم ایادی امرالله جناب هدای رحمانی و جناب پروفیسور موجهر حکیم نماینده محترم محفل مقدس ملی شیدالله ارکانه و ۳۱ نفر نمایندگان قسعتهای امریه و لجنه ملی جوانان و عده ۴ از جوانان طهران آغاز و جلسات آن تا پایان روز جمعه ۱۰ شهر العزه ۱۳۲۲ مطابق ۲۶ شهریورماه ۴۴ ادامه داشت .

اساسی نمایندگان بشرح زیر است :

۱- اراک - سرکارخانم مهین روشن ضمیر

۲- اصفهان - آقای دکتر هوشنگ صادقی

آقای دکتر ایرج بشیری

آقای سهراب روحانی

۳- آذربایجان - آقای مهندس صادق اقتصادی

آقای ذبیح الله کیانی

آقای مهندس فیروزی

۴ - خوزستان - آقای بهروز نخعی

آقای فرهنگ شادمان

۵ - خراسان - سرکارخانم لقائیه رضوانی

آقای احسان الله کاتب پور شهیدی

۶ - بندرگز - جناب دکتر خوروش

جناب اشراقی

۷ - قزوین - سرکارخانم مهوش خسروی

۸ - ساری - آقای سیاوش بینائی

آقای خسروی

۹ - شیراز - جناب پاکروان

جناب ایرج یزدانی

۱۰ - گیلان - جناب علیرضا بنی هاشمی

۱۱ - کاشان - آقای فرحبخش لقمانی

۱۲ - کرمانشاه - جناب یزدان بخش آگاه

۱۳ - کرمان - سرکارخانم نوشین رحمی

۱۴ - یزد - سرکارخانم فرنگیس ذبیحیان

سرکارخانم لیلا سیاوشی

۱۵ - طهران - جناب فرهنگ هلاکوئی

جناب برهان الدین افشین

جناب اردشیر اختری

۱۶ - همدان - جناب خاندل

۱۷ - لجنه ملی - سرکارخانم دکتر شکوه شکوهی

آقای صالح مولوی نژاد

آقای دکتر عباس کاشف

نمایندگان آباءه / بابل / بیرجند / سنگسر

زاهدان و نی ریز غایب بودند . پس از زیارت

آثار مبارکه و تلاوت الواح بدوا جناب ایادی امرالله (۲۸۰)

آهنگ بدیع

تلگراف معروضه کانونشن بشرح زیر است :

حیفا اسرائیل ساحت بیت العدل اعظم الهی
" ادعیه آن هیئت مجلله را جهت موفقیت
جوانان بهائی ایران در نیل باهداف نقشه منیعہ
نه ساله مشتاقانه ملتسمیم . "

شانزد همین کانونشن ملی جوانان بهائی ایران
در این هنگام نمایندگان گزارش مجهودات و اقدامات
یکساله خود را بیان کردند و بسوءالات مختلفه
باسخ لازم دادند .

در دومین جلسه کانونشن سرکارخانم بدری جزایری
علیها بهاء الله از مسافرتهای تبلیغی و تشویقی
خویش به نقاط سیستان ، بلوچستان و آبا ده
و خوزستان سخن گفتند و از مشاهدات خویش در
آن نقاط مطالبی ایراد فرمودند که با استقبال
همگان مواجه گردید .

در این موقع نمایندگان کانونشن در کمیسیونهای
شش گانه کانونشن تقسیم شدند و در باره مواضع
ارتباط ، تزئید معلومات ، تبلیغ ، حفظ و
صیانت ، مهاجرت و امور مالی پیشنهاداتی ارائه
و تصویب گردید و پس از آن در جلسه عمومی
کانونشن مطرح و مورد تصویب نهائی قرار گرفت .

در چهارمین جلسه کانونشن جناب سهراب
روحانی قطعه شعری در باره عهد و میثاق
الهی که خود سروده بودند قرائت کردند و آنگاه
فاضل محترم جناب اشراق خاوری بیانات جالبی
در باره عظمت امر و ثبوت بر عهد و میثاق الهی

سر لشکر علائی سخنی چند پیرامون وظائف خطیر
جوانان و سوء لیت آنان در قبال نقشه منیعہ نه
ساله ایراد فرمودند و اظهار امیدواری کردند که
شانزد همین کانونشن در مذاکرات و مشاورات خود
با موفقیت روبرو گردد .

آنگاه جناب دکتر علی محمد ورقا ایادی امرالله
بیانات مشروحی در باره وظایف جوانان بهائی و
اهمیت مسائل حیات بهائی و تطبیق حیات فردی
جوانان با حیات بهائی ایراد فرمودند و طی آن
لزومیت شرکت در اهداف نقشه دیوان عدل الهی
را یاد آور گردیدند .

سپس جناب پروفیسور دکتر منوچهر حکیم نمایندنده
محفل مقدس ملی طی بیاناتی مطالب مورد نظر
محفل مقدس ملی را که اعم آن توجه بحیات
بهائی و تبلیغ ، مهاجرت ، عهد و میثاق
و تبرعات بود با اطلاع کانونشن رساندند و طلب
تائید برای کانونشن نمودند .

آنگاه پس از معرفی نمایندگان و اخذ رأی و
انتخاب هیئت عامله از طرف کانونشن تلگرافی
بساحت بیت العدل اعظم مخابره گردید که جواب
ذیل عنایت گردید :

نونهالان روحانی طهران

" در اعتاب مقدسه دعا میکنیم مساعی جوانان
در مهد امرالله در سبیل مشارکت جدی بسرای
انجام اهداف نقشه و جانفشانی در خدمت امرالله
قرین موفقیت گردد " بیت العدل اعظم

آهنگ بدیع



و قیام بر امر مهاجرت ایراد فرمودند .
جناب دکتر مسیح فرهنگی معاونت محترم ایادی و جناب منوهر قائم مقامی نماینده محفل مقدس ملی در این جلسه حضور داشتند . جناب دکتر فرهنگی سخنانی درباره وظائف جوانان ایراد فرمودند و قیام دسته جمعی را جهت هجرت طلب فرمودند . جناب مسعود خمسی نماینده لجنه مجلله مهاجرت اطلاعات گرانبھائیسی از نقاط لازم المهاجره در اختیار نمایندگان کانونشن نهادند که توسط نمایندگان یاد داشت گردید . در پایان لجنه ملی جوانان تمنیات خویش را بسمع نمایندگان کانونشن رسانید و بالاخره ناظم کانونشن اظهار امیدواری نمود که کانونشن در انجام تعهدات و اجرای مصوبات خویش موفق گردد . در این موقع یاد بودعائی از طرف لجنه ملی جوانان بنمایندگان تسلیم گردید .

جلسه کانونشن ساعت ۲۱/۴۰ دقیقه روز جمعه ۲۶ شهریور ماه پس از قرائت و تصویب ————— خلاصه مذاکرات با تلاوت مفاجات پایان ین یرفت .

.....

.....

.....

ششمین سالنامه جوانان بهائی ایران

لجنه مجلله ملی جوانان بهائی ایران معمولا هر دو سال یکبار اقدام به تهیه و انتشار سالنامه جوانان مینماید . ششمین جلد این سالنامه که مربوط به سال های ۱۲۰ و ۱۲۱ بدیع میباشد اخیرا از طرف آن لجنه محترمه منتشر گردیده است .

مطالب ششمین سالنامه جوانان بهائی ایران شامل پستار قسمت اساسی

میباشد :

در قسمت اول آثار مقدسه حضرت بهاء الله ، حضرت اعلیٰ ، حضرت مولی الوری و حضرت ولی امرالله ارواحنا لهم الفداء و قسمتی از توفیعات منیمسه بیت العدل اعظم الهی شیدالله بنیانه زینت بخش سالنامه گردیده است .

در قسمت ثانی گزارشات مجهودات جوانان بهائی ایران و تشکیلات وسیعه آنان منعکس گردیده و در بخش سوم مقالات مفیده ای از بعضی از حضرات ایسادی امرالله ، ناشرین تفحات الله و فضلی جوان درج شده و در قسمت آخر نیز اشعار نغزی از شعرای بهائی طبع گردیده است .

پشت جلد سالنامه توسط طراحم جوان جناب حسین امانت تهیه شده که جالب انظار است .

آهنگ بدیع ششمین سالنامه جوانان بهائی ایران را بسموم دوستان

رحمان خصوصا جوانان بهائی ایران توصیه مینماید .

از قلم اعلیٰ برایش صدور یافت و او را در توقیعات بعناوین فرد الاحد و مظهر الاحدیه و اسم الله الدیان یاد نمودند و باسما' حسنی و عظمی ستودند و به خطاب " انک یا ایها الحرف الثالث الموء من بمن ینظره الله مخاطب داشتند و بدین طریق جناب دیان مورد توجه بابیه شد و در مقامات روحیه و علم و عرفان الهی همی اوج گرفت و از قلمش کلمات و بیانات بسیار در شوا'ن خطب و مناجات و معارف الهیه بعربییه و فارسیه صادر گردید و جمعی باو و آثارش علاقه حاصل نمودند و پیس از واقعہ شهادت عظمی که در سنین اولیه ایمان و تعارجات باطنیه اش واقع شد عده * از بابیه بنام دیانیه معروف گشتند که اکثر در قسمت آذربایجان و برخی در گیلان و غیره میزیستند و دیان را مطلق و مظهر معارف الهامات و تائیدات حضرت رب اعلیٰ و مروج و ناشر امر بدیع میدانستند و برای وی کراما باطنیه و مقامات معنویه ذکر مینمودند .

بوده و یا مخصوص بس امید و ار است و بدامن مبارک متوسل که فاران چنان فورانی نماید که بلاد مجاوره را گرم و جذب نماید فارانیان رجانیانرا از صمیم قلب بنده دعا گوست مخصوص آن عاقله رجانیه بالاخص حضرت جلال با جمال و کمال عاشق جانان روحی فداه را و علیکم البها' الابهی .

حیدر علی

توضیح عکس روی جلد :

بنفشه بر طرف چمن از وزش نسیم بهاری لب به
خنده میگشاید و غنچه های نشکفته انسانی از فرا
رسیدن بهار الهی از دل یخ و برف سربرون آورده
مژده سرور و شادی میدهند .

در مراجعت از اوپر ناویک در شهر Umanik یکروز اقامت کردیم و با رئیس مدرسه و کشیش شهر که هر دو خیلی با محبت و مهمان نوازی ما را پذیرفتند باز مذاکرات امری بمیان آورده و آثار امری را بکتابخانه محل اهدا نمودیم در تمام مراحل سفر هیچ مخالفت و عداوتی از جانب مقامات کلیسا دیده نشد. در یک جا فقط کشیش اظهار داشت اخیراً بیشترین فرق مختلف مسیحی میآیند و اظهار میدارند که تنها فرقه برگزیده هستند و غیر از آنان سایرین گمراهند عقیده شما در باره کلیسای ما چیست خانم هوک با روحانیت و بساطت توضیح دادند که امر بدیع اساس جمیع ادیان را من جانب الله میداند و حقانیت مظاهر مقدسه را میشناسد و هیچ قصدی برای تضعیف ایمان مؤمنین بآنها ندارد و فقط میگوید که ادیان مختلفه باید متحد شوند و اقوام عالم در ظل سرابرده یگانگی در آیند و با صلح و صفا زندگی کنند. خیلی از توضیحات ایشان مسرور شد.

باری سفر ۲۴ روزه گرینلند بخوشی خاتمه پذیرفت روز ۲۴ جولای که در فرودگاه کاستروپ کپنهاگ پیاده شدیم بدریافت تلگراف حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس نائل گشتیم که سرور اعضا بیت العدل اعظم و ایادی امرالله را از ایمان نخستین بهائی گرینلند ابلاغ فرمودند.

خدایوند چنین مقدر فرمود که اولین بهائی دانمارک مادر روحانی گرینلند هم باشد. خانم هوک که عضو عیثت معاونت ایادی امرالله در اسکاندیناوی است تصمیم دارد فعالیت تبلیغی را در گرینلند همچنان ادامه دهد و علی العجاله گرینلندیهای مقیم دانمارک مطمح نظر هستند و قرار است جلسات تبلیغی خاص برایشان تشکیل شود. لجنه تبلیغ گرینلند در دانمارک و کانادا مسوول فعالیت و ابلاغ امر در گرینلند هستند و بر وفق نقشه نه ساله دو جسمیت بهائی در آن جزیره میباید تأسیس گردد.

نروژ - ترونهایم - ۲۱ اگست ۱۹۶۵

بکارند تا از تولید بیچک جلوگیری شود. در تگزاس بعضی از مردم موهوم پرست استخوان کوچکی از سر ماهی را با خود همراه دارند ولی خواص این امر موقعی ظاهر میشود که این استخوان مفقود گردد.

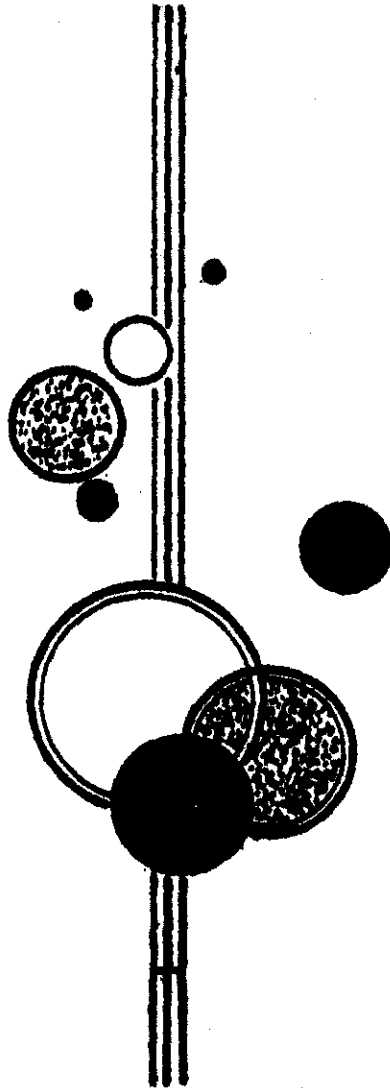
توضیح و اعتذار

در شرح عکس رنگی روی جلد شماره ۵
و ۶ آهنگ بدیع اشتباهها قصر مبارک
بهجی نوشته شده است . بدینوسیله
استدعا میشود ذیل فهرست شماره
فوق را باین شرح اصلاح فرمایند :
روی جلد - روضه مبارکه

قیمت نفوس جوانان

مطالب مندرجه

نجات آثار مبارکه ، عرض عمر ، شیخ ضحان با
عذیب ، تولستوی ، جدل سحر آمیز
معلومات خود را بیازمائید ، سابقه ،
تجدیدت ، چهره های موفق



محتاجه از کار بماند :

... بس خرد و بگردت و بدو دستگار پیوسته ، پاک صومعه

و پاک گوشت از آنچو شنید ... در جنبه

... شعله نار محبت بر وقت بخواب بسمیر و گوشت
در جنبه

... فطانت عین رحمانیت مستطفت به نور که در عالم است

بجز محویت نیست سیر کبر و نوازند ...

در جنبه

عصر

چقدر آدمها آرزوی دیر زیستن کرده اند
افسانه آب حیات و زندگانی جاوید در بین مردمان خیلی قدیمی است . از آن
روز که بشر مرگ را شناخت آرزو کرد که نمیرد و جاودان بماند . هنوز هم سوداگران این وهم
بسیارند .

ولی با این همه علاقه انسانها در طی قرون چند ان بتحقق این آرزو نزدیک
نشده اند و بفرض که چند سالی بر متوسط عمر افراد بشر افزوده باشند تا آنجا که عصرش
را سردی کنند راهی بی پایان دارند .
گو اینکه نشدنی است که آدمی زنده جاوید بماند ولی گیرم که بشود تازه چه
خواهد شد ؟ چه خواهد شد اگر چند روز دیرتر بیایم چند خوراک دیگر بخوریم و چند جامه
دیگر بداریم ؟

اینکه آنقدرها خواستنی و دلپسند نیست
ممکن است طول عمر برای حیوان مهم باشد ولی برای انسان چندان مهم نیست
شاید چون عمر حیوان تنها بعد زمان دارد ولی در زندگی انسان ابعاد دیگر هم هست .
در میان ما آنها موفقتر سعادت مندتر و خوشتر نبوده اند که بیشتر زیسته اند
بسیاری از بزرگان جهان به نیمه راه يك عمر طبیعی نرسیده در گذشته اند
و کمتر از آنان هستند که بر عمر کرده باشند .

میخواهم بگویم برای انسان طول عمر مهم نیست .
آنچه زندگی حضرت مسیح یا حضرت اعلی را از سایرین متمایز میکند نه طول
عمرشان بلکه کیفیت مسنوی زندگی آنهاست .
خیلی نما بیش از چهل سال زیسته اند ولی يك از هزار آنچه را اینستین تا
چهل سالگی بجهان علم افاده کرده است عرضه نداشته اند .

مثالهای نزدیکتر بدن و محسوستر هم میتوان آورد ولی مطلب یکی است اینکه
" در زندگی انسان حقیقت و مفهومی بسیار مهمتر از طول عمر وجود دارد ."
اسمش را اصطلاحاً " عرض عمر " می گذاریم برای اینکه سخن از ابعاد دیگر
زندگی انسان گفتیم . شما ممکن است بجای این اصطلاح کلمه دیگری بگذارید هیچ فرق
نمیکند . اینجا " عرض عمر " در مقابل " طول عمر " است . می شود گفت " کیفیت عصر "
در برابر " کمیت آن " . می توان اصطلاحات دیگری هم از این قبیل انتخاب کرد .

آهنگ بدیع

طول عمر یا کمیت زندگی انسان در حساب دنیا هیچ است . اگر کسی هزاران هزار سال بماند زندگیش در برابر ابدیت که هیچ در برابر عمر بعضی موجودات جهان هم لحظه ای بیش نیست .

آنچه در زندگی انسان ارزش دارد ، عرض آن ، کیفیت آنست . این مفهوم از زندگی انسانیت که قابل تعمق است .

اینکه کسانی قرن‌ها را زیرنگین گرفته اند یا رنگ فکر و اندیشه خود را بر عهد و اعصار زده اند یا زندگی روحی عظیم داشته اند ربطی بطول عمرشان ندارد . اینجا چیز دیگری جز طول عمر در کار است .

حقیقت انسانیت ، سجایای انسان و کیفیت حیات روحانی اوست که ابدیست و

زمانرا در برابرش بزانو در می آورد . او را ازلی و ابدی میکند ، مخلد و جاودان میسازد .

این جنبه زندگی انسان است که اهمیت دارد . زندگی کردن یا نکردن انسان .

باین اعتبار است نه به چند سال بیشتر یا کمتر زیستن .

ارزش عمر ما بسته با استفاد ه ایست که از آن می کنیم ، بسته به هدفی است که

در زندگی خود داریم .

بهترینست که باین جهت عمر خود توجه کنیم و از این راه زندگی خویش را

وسعت دهیم ؟



تفسیر شهادت حضرت شیخ صفی‌الدین حسین بن علی (ع) در سوره فرقان
 بی‌عظمتی قسم تقدیم و تقدیر نمود. تا در این محضر پروردگار تعالی حضور نمود
 بنام رب عالم فوجی است نور در این یک سبزه در جلوه کشف و کبریا
 توفیق برسد که بسته عهد از سر به نام حضرت گفته شد
 این سوره را در این محضر خواندیم. «فقره و در این کتاب»
 در وقت شرحه و ترجمه «فرزادگر» در این محضر

جناب آقا سید اسد الله قلی از موء منین و مبلغین
 دوره جمالقدم و طلعت میثاق است که مدت‌ها
 در عکا طائف حول بوده و در سفر حضرت عبد البهاء
 با مریکا نیز افتخار حضور داشته است .
 داستان زیر از خاطرات و شرح احوال
 ایشان که خود شان نوشته اند نقل شده است
 لوح حضرت عبد البهاء که در ابتدای این
 قسمت نقل شده در کتاب مائده آسمانی جلد
 نهم مندرج و مربوط باین داستان است .

شیخ صفی‌الدین

..... حاجی ملا مهدی کدی از مکه معظمه بعکا وارد شد حاجی حسین نامی بجنوان نوکری بیجا
 وی بود از اهل دهات اصفهان در بدایت ورود بنام مسودیه بد گوئی و هرزه سرائی و طعن و لعن باحبا
 که در راه هم طریق و رفیق شفیق بودند بعد از اقطار حضرات را احضار فرمودند با حسین . ماها متحیر مانده
 که حکمت چیست که با وجودیکه این جوان نادان و بد خواه می باشد احضارش فرمودند تا اینکه از قصر بزیار آمد
 فانی استفسار کردم که چه دیدی در نهایت استیحا ش ذکر نمود چیزی ندیدم جمال مبارک مثل ماها شخصی
 می باشند بهمین منوال هر وقت حضرات را احضار می فرمودند حاجی حسین مانند سگ اصحاب کهف بالتبع بفوز
 لقا فائز و نائل بود ولی ابد ا ملتفت نبود فقط از ماها خوشنود بود می دید ماها بامر مبارک صائم و بخد مت بنسوع



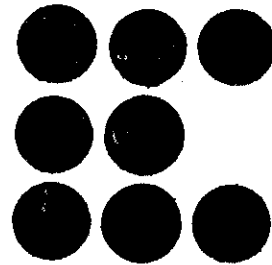
قائمیم تا اینکه فانی . . . (وقتی) عنوان نمود که قائم موعود بعالم شهود قدم نهاده و شهیدش کردند و جمال مبارک رجعت حسینی می باشند و شرحی از کیفیت رجعت ذکر نمودم جناب حاجی حسین نرم و گرم شد حسن تصادف قدری نبات و یک مناجات باو عطا فرمودند کم کم حاجی حسین مجذب و مشتعل گشت بلکه از اکثر مجاورین و مسافرین هزار گام پیش گذارد چنان انجذاب او را اخذ نمود که احباب را طسواف می نمود می خواست از موه های چشمش قصر مبارک رابروید . . . در این وقت نقاهت عارض همیکل غنصری جمال قدم جل ذکره الاعظم شد غذای مبارک منحصر بشیر گوسفند گردید چند بزرا از گله مبارک آورده در صحرای عکا در چراگاه دائما موجود بود . . .

فانی روزی بحاجی حسین اظهار نمودم میدانی که فانی کارم زیساد و شغلم از حیض احصاء خارج است صلاح اینست که شما این بزها را بصحرا برده عصر بعصر بیاورید که شیرشان غذای مبارک است گفت بدیده منت دارم و از خدا چنین خدمتی بدعا می خواهم . . . هرگاه بخواهم وضع او و حالت او را بنگارم واقعا از عهده بر نیایم که بچه خلوص

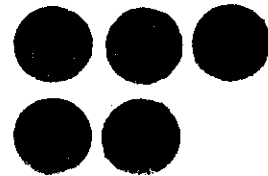
از برای بستنهای بزها کیسه دوخته و بچه نوع از موی بزها قاطمه رسیده و زنبیلهها با همان قاطمه ها تیمساج دوزی کرده و شیخ صنعان رقم نموده حسن تصادف روزی می رود محل آبخوری برای بزها در زمین بکند که بزها بسهولت آب بخورند یک لیره عثمانی پیدا می کند فوراً لیره را می آورد میدهند بامین پسر کوچک میرزا محمد علی میگوید این لیره را بحضور مبارک ببر عرض کن حاجی حسین این را یافته است. امین فوراً قصد ساحت اقدس اعلی نمود تفصیل را معروض داشت فرمودند از این ببعده کسی بایشان حاجی حسین نگوید شیخ صنعان بگویند زیرا شیخ صنعان باست و لیره را تا سه روز نگهدارد هرگاه صاحبش پیدا گشت تسلیم صاحبش بنماید . . . (وگرنه) حق خود شیخ صنعان است امین از قصر یائین آمد و تفصیل را کما هو حقه تلقین شیخ صنعان نمود حاجی حسین قره العین اعیان گردید و مضبوط اهل امکان گشت در همان روزها شبی ماهائیکه ملازم حضور و رکاب مبارک بودیم مع شیخ صنعان احضار گشتیم جمال مبارک خطاب بایشان فرمودند باین عنوان " جناب شیخ صنعان میدانی فرق تو با آن شیخ صنعان معروف چه مقدار است آن شیخ صنعان از ایمان بکفر راجع گشت و تو از کفر بایمان واصل شدی او چوپان دختر نصرانی بود تو چوپان طلعت یزدانی بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا طوسی لک و حسن مآب " . . . آن شب آن عنایات مبارک شیخ صنعان را مبعوث فرمود و ما را بیهیجان آورد این بود که بعد از صعود طلعت مقصود از مقام محمود بعنوان تبلیغ کسان و برادران خود از طرف خشکی بدارالسلام و کربلا شتافته و در کربلا وسط صحرا از ضرب کارد و خنجر مکاریها بدرجه شهادت کبری نائل و قابل قربانی جمال ربانی

آهنگ بدیع

گردید طلعت عبدالبها در توفیق آقا سید حسین سیرجانی می فرمایند همان وقتی که جمال مبارک او را لقب شیخ صنعانی عنایت فرمودند معلوم بود که اول شخصی که بعد از صعود مبارک در سبیل جمال مبارک قتیصل می شود و سلسبیل شهادت را بحب جمال مبارک می نوشد شیخ صنعانست



عندلیب



جناب عندلیب از شعرا و بلغین شهیر عالم است که در لایحجان متولد و پس از یک عمر خدمت و عبودیت باستان الهی در شیراز بملکوت ابهی صعود نمود .

جناب عندلیب شاعری خوش ذوق و با قریحه است و در قصیده و مخمس مهارتی تام دارد . دیوان اشعارش شامل بیش از ده هزار بیت میباشد، قطعه زیر از ایشان است :

مقصد اهل صفا طلعت نیکوی تو بود
 بوئی از زلف تو و پرتوی از روی تو بود
 لب شیرین تو و قامت دلجوی تو بود
 نفخه اش نفحه از نکمت گیسوی تو بود
 دانه خال تو و بیج و خم موی تو بود
 خود ندانست که جوی حیوان خوی تو بود
 همه از ساحر کتر گس جادوی تو بود
 هر کجا پای نهادیم میاهوی تو بود
 بلبل باغ تو و طیسر سخنگوی تو بود

از ازل کعبه صاحب نظران را کوی تو بود
 دم جانبخش مسیح وید بیضای کیم
 قصه کوثر و طوبی که شنیدیم ز خلق
 گشت مسجود ملک بو البشر از نفحه روح
 رهزن مرغ دل سلسله مویان همه وقت
 بعبت کرد سکندر طلب آب حینات
 بسر زلف تو هر فتنه که در عالم خاست
 کعبه و صومعه و میکه و دیرو گشت
 عندلیبی که در این گلشن قدس آمد و رفت

از مشهورترین رمان نویسان رئالیست روسیه لئون تولستوی است که در سال ۱۸۲۷ بدنیآ آمد و در سال ۱۹۱۰ میلادی درگذشت . آثار معروفی مانند جنگ و صلح و آنا کارنینا از این نویسنده شهیر در دست است که بخوبی عادات و رسوم و خصوصیات اخلاقی مردم روسیه را نشان میدهد .

تولستوی از نظر صداقت در بیان واقعیات در میان نویسندگان بزرگ جهان مقام شامخی را داراست و در برخی از مراسلات خود نیز راجع بامر مبارک اظهاراتی نموده است از جمله در مراسله ای بعنوان مادام ایزابل گرینوسکایا مورخه ۲۲ اکتوبر ۱۹۰۳ مینویسد :

" راجع بدیانت بابی مدت مدیدی است اطلاع یافته و بیوسته نسبت بتعالیم آن علاقمند بوده ام بنظر من این تعالیم مانند کلیه تعالیم اجتماعی معقولی که اخیرا از اصل ادیان برهمنائی ، بودائی ، یهـ—ود، مسیحی و اسلام اقتباس شده و خود این ادیان بسبب تصرفات اهل کتاب و روحانیون از اصل مقصود منحرف گشته است مستقبل عظیمی در بر دارد زیرا تمامی ظواهر و پیرایه ها را که باعث انشقاق و اختلاف بوده دور نموده و آرزو دارد تمامی بشر را متحد و در ظل یک دین وارد نماید از این رو از اعماق قلب صمیمیت واقعی خویش را نسبت بدیانت بابی که ناشر تعالیم اخوت و مساوات و جانبازی در سبیل الهی است تقدیم میدارم . "

و نیز در رساله دیگری که بعنوان مسلمانان قفقازیا در سال ۱۹۰۸ تحریر شده مینویسد :

" امر حضرت باب که منشاء آن از اسلام است بواسطه تعالیم حضرت بها، الله تدریجا نشو و نما نموده و اینک بشکل بهترین و بسی پیرایه ترین تعالیم دینی بما ارزانی میشود . "

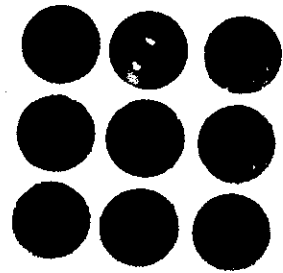
قطعه زیر از آثار این نویسنده بزرگ است :

" من نمیدانم بشری که میتواند بیوسته در صفا و صلح بسربرد چرا گرد دشمنی میگردد ؟

دشمنی دشمنه زهر آلودی است که روح انسانی را جریحه دار و مسموم میکند این مسمومیت وقتی دامنه دار بشود مزاج جامعه را منحرف نموده و بنیان آنرا برای قبول تلاشی آماده میسازد .

شما سعی کنید هیچگاه بذردشمنی در دلتان رشد نکند زیرا محصول آن بسیار تلخ و دردناک است . "

تولستوی



جدول سحرآمیز

الیاس نجومی

در شماره ۵ و ۶ این مجله شرحی در باره جدول سحر آمیز و طرز ساختن جدولهای فرد $N=2M+1$ و جدولهای زوج دوپل $n=4m$ بنظر نونهالان عزیز رسید. اکنون طریقه ساختن جدولهای زوج ساده $n=2(2m+1)$ که تعداد خانه های افقی یا عمودی آن بر ۴ قابل تقسیم نمیباشد شرح داده میشود. در فرمولهای فوق تعداد خانه های افقی یا عمودی جدول با حرف (n) نشان داده شده و اگر (m) را برابر ۲ فرض کنیم تعداد خانه های افقی یا عمودی طبق سه فرمول فوق بشرح ذیل خواهد بود:

$$n = 2m + 1 = 5 \quad \text{جدول فرد}$$

$$n = 4m = 8 \quad \text{جدول زوج دوپل}$$

$$n = 2(2m + 1) = 10 \quad \text{جدول زوج ساده}$$

$$n = (2m+1) \quad \text{طرز ساختن جدول زوج ساده}$$

روش زیر بطریقه " رالف استراچی " Ralph Strachey معروف است. در توضیحات ذیل خانه های افقی را " ردیف " و خانه های عمودی را " ستون " می نامیم. مربع اصلی را به چهار مربع فرعی مساوی A, C, B, A طبق شکل ۱ تقسیم میکنیم. حالا چهار جدول فرد در این چهار مربع فرعی طبق متد دولابور De La Loubere (این شخص فرستاده لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه به دربار سیام در سالهای ۱۶۸۷ تا ۱۶۸۸ میلادی بوده و این طریقه را وی در آنجا I مخته است) که قبلا فرا گرفته اید بدین ترتیب بنا میکنیم:

در مربع A با اعداد ۱ تا U^2 ($U=\frac{n}{2}$) و در مربع B با اعداد U^2+1 تا $2U^2$ و در مربع C با اعداد $2U^2+1$ تا $3U^2$ و در مربع D با اعداد $3U^2+1$ تا $4U^2$ در شکل ۲ که n مساوی ۶ و u مساوی ۳ میباشد اعداد خانه های چهار مربع فرعی بترتیب از ۱ تا ۹ و ۱۰ تا ۱۸ و ۱۹ تا ۲۷ و ۲۸ تا ۳۶ میباشد.

۲۹	۷	۶	۲۰	۲۵	۲۴
۹	۳۲	۱	۲۷	۲۳	۱۹
۳۱	۳	۸	۲۲	۲۱	۲۶
۲	۳۴	۲۳	۱۱	۱۶	۱۵
۳۶	۵	۲۸	۱۸	۱۴	۱۰
۴	۳۰	۲۵	۱۳	۱۲	۱۷

شکل ۲

۲	۷	۶	۲۰	۲۵	۲۴
۹	۵	۱	۲۷	۲۳	۱۹
۴	۳	۸	۲۲	۲۱	۲۶
۲۹	۳۴	۳۳	۱۱	۱۶	۱۵
۳۵	۳۲	۲۸	۱۸	۱۴	۱۰
۳۱	۳۰	۳۵	۱۳	۱۲	۱۷

شکل ۲

A	C
D	B

شکل ۱

آهنگ بدیسع

حالا زیر اعدادی که در ستونهای m منتها الیه دست چپ مربع A قرار دارند يك خط می کشیم باستثنای اولین خانه دست چپ ستون وسطای مربع که آنرا جا گذاشته بتعداد m زیر اعداد خانه های بعدی خط میکشیم و اعدادی را که زیر آنها خط کشیده شده با اعداد خانه های مشابه در مربع D تعویض مینمائیم در جدول ۶ خانه ای شکل ۲ مساوی ۱ است و بنابراین فقط يك ستون در دست چپ A را در نظر گرفته زیر اعداد ۲ و ۴ خط میکشیم و در ردیف وسطی عدد ۹ را جا گذاشته زیر عدد ۵ خط میکشیم و بطوریکه در شکل ۳ دیده میشود اعداد ۲ و ۴ و ۵ و ۶ مربع A را با اعداد خانه های مشابه مربع D یعنی ۲۹ و ۳۲ و ۳۱ مبادله میکنیم. بعد ستون یا ستونهای $m+1$ در مربع C را در نظر گرفته زیر کینه اعداد ستون یا ستونهای مذکور خط کشیده آنها را با اعداد مشابه آنها در مربع معاوضه میکنیم. در جدول شکل ۲ مساوی ۲ است و بنابراین $m-1=0$ میباشد و لذا در ستون دست راست مربع C و B تغییری حاصل نمیشود و شکل ۳ جدول ساخته شده ما را نشان میدهد.

برای اینکه بیکی دیگر از خواص جالب این جدول بی بریم جدول ۶ خانه شکل ۳ را بنحوی که در شکل ۴ ملاحظه خواهید فرمود تجزیه میکنیم. حالای بیند که در هر چهار جدول فرعی اعداد ۱ تا ۹

۲۷+۲	۰+۷	۰+۶	۱۸+۲	۱۸+۷	۱۸+۶
۰+۹	۲۷+۵	۰+۱	۱۸+۹	۱۸+۵	۱۸+۱
۲۷+۴	۰+۳	۰+۸	۱۸+۴	۱۸+۳	۱۸+۸
۰+۲	۲۷+۷	۲۷+۶	۹+۲	۹+۷	۹+۶
۲۷+۹	۰+۵	۲۷+۱	۹+۹	۹+۵	۹+۱
۰+۴	۲۷+۳	۲۷+۸	۹+۴	۹+۳	۹+۸

شکل ۴

مشترك است و اعداد باقیمانده که عبارتند از صفر و $U^2=9$ و $2U^2=18$ و $3U^2=27$ خود جدول ۶ خانه ای دیگری تشکیل داده و هر يك از این چهار عدد $U^2=9$ بار تکرار شده اند.

برای روشن شدن طریقه ساختمان جدول زوج ساده $n = 2(2m+1)$ زیلا جدول ۶ خانه ای که بدین طریق بنا شده است ملاحظه خواهید فرمود در این جدول $n=2U=2(2m+1)=10$ بنابراین $m=2$ و $U=5$ یعنی اعداد دو ستون دست چپ مربع A با خانه های مشابه در مربع D و اعداد يك ستون در دست راست مربع C با خانه های مشابه

۴	۱۶	۹	۲۲	۱۵	۵۳	۶۶	۵۹	۷۲	۶۵
۲۰	۸	۲۱	۱۴	۲	۷۰	۵۸	۷۱	۶۴	۵۷
۷	۲۵	۱۳	۱	۱۹	۵۷	۷۵	۶۳	۵۱	۶۹
۲۴	۱۲	۵	۱۸	۶	۷۴	۶۲	۵۵	۶۸	۵۶
۱۱	۴	۱۷	۱۰	۲۳	۶۱	۵۴	۶۷	۶۰	۷۳
۷۸	۹۱	۸۴	۹۷	۹۰	۲۸	۴۱	۳۴	۴۷	۴۰
۹۵	۸۳	۹۶	۸۹	۷۷	۴۵	۳۳	۴۶	۳۹	۲۷
۸۲	۱۰۰	۸۸	۷۶	۹۴	۳۲	۵۰	۳۸	۲۶	۴۴
۹۹	۸۷	۸۰	۹۳	۸۱	۴۹	۳۷	۳۰	۴۳	۳۱
۸۶	۷۹	۹۲	۸۵	۹۸	۳۶	۲۹	۴۲	۳۵	۴۸

شکل ۵ - جدولهای فرعی

۷۸	۹۱	۹	۲۲	۱۵	۵۳	۶۶	۵۹	۷۲	۶۵
۹۵	۸۳	۲۱	۱۴	۲	۷۰	۵۸	۷۱	۶۴	۵۷
۷	۱۰۰	۸۸	۱	۱۹	۵۷	۷۵	۶۳	۵۱	۶۹
۲۴	۱۲	۵	۱۸	۶	۷۴	۶۲	۵۵	۶۸	۵۶
۱۱	۴	۱۷	۱۰	۲۳	۶۱	۵۴	۶۷	۶۰	۷۳
۷۸	۹۱	۸۴	۹۷	۹۰	۲۸	۴۱	۳۴	۴۷	۴۰
۹۵	۸۳	۹۶	۸۹	۷۷	۴۵	۳۳	۴۶	۳۹	۲۷
۸۲	۱۰۰	۸۸	۷۶	۹۴	۳۲	۵۰	۳۸	۲۶	۴۴
۹۹	۸۷	۸۰	۹۳	۸۱	۴۹	۳۷	۳۰	۴۳	۳۱
۸۶	۷۹	۹۲	۸۵	۹۸	۳۶	۲۹	۴۲	۳۵	۴۸

شکل ۶ جدول نهائی

مسئله‌های خوب و زیاده



- ۱ - تعداد نقاطی که امر مبارک پس از پایان نقشه نه ساله بیت العدل اعظم باید در آن‌ها مستقر شود چقدر است؟
- ۲ - لوح مبارک تفسیر کت کزاز کیست؟
- ۳ - اولین شهید امر مبارک کیست و در کجا شهید شده است؟
- ۴ - مراحل هفتگانه نشوونمای جامعه بهائی بفرموده حضرت ولی امرالله چیست؟
- ۵ - حج بهائی در کجا انجام میشود؟
- ۶ - فرق بین نقطه منفرد و جمعیت و محفل چیست؟
- ۷ - اولین تاجدار عالم که در ظل امر وارد شد که بود؟
- ۸ - آیا در یک تشکیل بهائی امتناع از رأی جایز است؟
- ۹ - آیا اکثریت و اقلیت در تشکیلات بهائی بفهومی که در تشکیلات سائره موجود است معمول میباشد؟

مسابقه شماره ۷

این بار مسابقه قسمت نوجوانان جمع آوری نصوص است .
بمنظور آشنائی نوجوانان و جوانان عزیز با آثار مبارکه و معارف امری بدو نفر از کسانی که در باره یکی از دو موضوع " وحدت عالم انسانی " یا " تعلیم و تربیت " نصوصی در حدود یک صفحه آهنگ بدیع بصورت جملات کوتاه و مستقل از آثار مبارکه استخراج نمایند و با ذکر مأخذ بنشانی .
طهران - خیابان منوچهری شرکت نونهالان آقای شاهرقلی بفرستند بحکم قرعه جوایزی تقدیم میگردد .

جواب مسابقه شماره نهم

کتاب مذکور رساله * این نایب است که قریب یک سده قبل از ظهور جمالقدم جل جلاله (۱۳۰۸) در عکا نازل شد . این اثر منبع خطاب به شیخ (بقیه در صفحه ۳۰۴)



در شماره ۴ آهنگ بدیع سال
جاری در قسمت نوجوانان شرحی در باره
مسابقه نویسندگی منتشر گردیده . اینک از
نظراهمیت امروز بعلمت کوتاهی مهلت شرکت
شرح منتشر شده را ذیلا برای دومین بار درج
و موعد آنرا تا آخر خرداد ماه سال ۳۴۵ تمدید
می نماید .

بمنظور ایجاد تنوع بیشتر در مطالب قسمت نوجوانان و با توجه با اهمیت کشف و پرورش استعداد های
جوانان عزیز در زمینه های مختلف کمیسیون نوجوانان آهنگ بدیع در صدد است در تهیه مطالب این قسمت تا
حد امکان از مساعدت و عم فکری نوجوانان و جوانان عزیز بهائی بهره برگیرد و تا آنجا که مقدور است از
خوانندگان کمک بخواهد . باشد که از این راه استعداد های نهفته بسیار بشکند و بدینوسیله نه تنها عزیزان
جوان فرصتی برای ابراز استعداد بیابند بلکه افراد جامعه نیز از پرتو افکار و آثار ایشان بهره مند شوند .
از این رو نوشتن مطالبی در زمینه عافی که ذیلا اعلام میگردد بین کلیه نوجوانان و جوانان بهائی
بمسابقه گذارده میشود و انتظار میرود این مسابقات مورد استقبال خاص خوانندگان عزیز قرار گیرد .

موضوع مسابقات

- ۱ - نوشتن داستان کوتاه امری (در حدود دو صفحه آهنگ بدیع)
- ۲ - معرفی کتاب - امری یا غیر امری (" " " يك " ")
- ۳ - نوشتن شرح حال بزرگان بهائی یا غیر بهائی (" " " دو " ")
- ۴ - نوشتن مقاله ای در زمینه مبادی روحانی بهائی (" " " سه " ")

کلیه جوانان و نوجوانان بهائی میتوانند در این مسابقات شرکت نمایند .
مهلت شرکت در هر یک از این مسابقات تا آخر اسفند ماه ۱۳۴۴ خواهد بود .
پس از مطالعه و رسیدگی دقیق آثار واصله بسه نفر اول در هر قسمت جوایزی تقدیم خواهد
شد و بهترین آنها در قسمت نوجوانان آهنگ بدیع منتشر خواهد گشت .
شرکت کنندگان میتوانند نوشته خود را بضمیمه مشخصات کامل خویش :

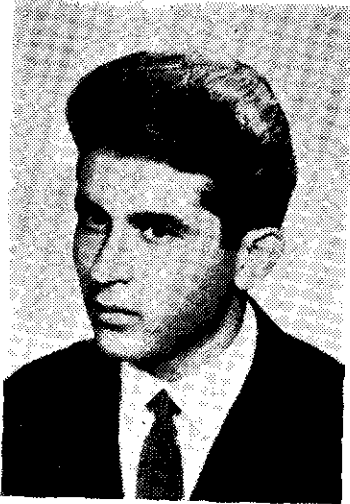
- ۱ - نام و نام خانوادگی
- ۲ - تاریخ تولد
- ۳ - آدرس

به نشانی :

تهران - خیابان منوچهری شرکت نونهالان آقای شاهقلی بفرستند .

چهاره نامی موفق

در جشن فارغ التحصیلی سال ۱۳۴۴ دانشگاه طهران آقای روح الله فردوسیان نجف آبادی خانم روحانیه زمانی و آقای نصرت الله ثابت بعنوان شاگردان ممتاز معرفی گردیده به اخذ مدال مفتخر گردیدند .



۱ - آقای فردوسیان شاگرد اول رشته مهندسی زراعی دانشکده کشاورزی کرج ۲۳ سال دارد و در سال ۱۳۴۰ پس از خاتمه دوران متوسطه وارد دانشکده کشاورزی کرج شده است . این جوان خدم همگام با پیشرفتهای درخشان دوران تحصیلی در لجنه جوانان بهائی کرج و سایر تشکیلات امری عضویت داشته و اعتقاد راسخ دارد که هیچگاه شرکت و خدمت در تشکیلات نه تنها مانع موفقیت و ترقی در امور تحصیل و مسائل زندگی نیست بلکه نقش مؤثری را در پیشرفت سایر امور زندگی داراست .
قرار است از طرف دانشگاه این جوان با استعداد برای ادامه تحصیلات با آمریکا اعزام گردد .



۲ - متانت و وقار همیشگی از بارزترین صفات اوست طی دوران تحصیل همواره از شاگردان ممتاز بوده است و در سال جاری با رتبه اول در رشته باستانشناسی از دانشکده ادبیات طهران فارغ التحصیل گردید . نامش روحانیه زمانی است و ۲۲ سال دارد . علاوه بر موفقیت در امور تحصیلی در نقاشی نیز موفقیتهای شایسته توجیهی بدست آورده است ولسی



هیچگاه امور تحصیلی نتوانسته او را از هدف اصلی زندگیش باز دارد و از او جوانی بخدمت در سبیل امرالله مشغول بوده و در تشکیلات مختلف جوانان شرکت داشته است .

۳ - آقای نصرت الله ثابت در سن ۲۳ سالگی بانتیجه ممتاز موفق به اخذ درجه مهندسی الکترونیک از دانشکده فنی دانشگاه طهران گردیده است . این جوان فعال و با اراده موفقیت خود را مرمون عوامل متعددی میداند . از جمله داشتن هدف و برنامسه



- ۱- ۵۴۰۰۰ مرکز
- ۲- این لوح از آثار حضرت عبدالبهاء است که در ایام صباوت آن حضرت نازل شده است .
- ۳- جناب ملا علی بسطامی که از جانب حضرت اهلی جهت تبلیغ امر مأمور سفر بعراق گردیدند و در همانجا بشهادات رسیدند کیفیت شهادات ایشان دقیقاً معلوم نیست .
- ۴- مجبولیت - مظلومیت و مقهوریت - انفصال - استقلال - رسمیت - تأسیس سلطنت الهی - تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی مؤسس آنین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی .
- ۵- حج بهائی در بیت اعظم بغداد یا بیت مبارک شیراز انجام می گیرد .
- ۶- هر مرکزی که یک نفر بهائی ذیرای داشته باشد نقطه منفرده نامیده میشود و هر مرکزی که ده بهائیس ذیرای آن از یک نفر بیشتر و از نه نفر کمتر باشد جمعیت است و هر مرکز که بهائیان ذیرای آن نه نفر یا بیشتر باشد محفل روحانی خواهد داشت .
- ۷- ملکه ماری رومانی که بوسیله میس مارناروت تبلیغ گردید .
- ۸- در تشکیلات بهائی امتناع از رأی جائز نیست و در هر موضوعی که بشور گذاشته میشود هر یک از اعضا باید یا موافق یا مخالف رأی دهد .
- ۹- در تشکیلات بهائی اکثریت و اقلیت ب مفهوم سایر تشکیلات وجود ندارد و بعد از آنکه اکثریت اعضا حکمی نمودند آراء و نظرات کلیه اعضا در آراء اکثریت حل میشود و رأی اکثریت برای کلیه اعضا اهم از آنکه در آن جلسه حاضر یا غایب موافق یا مخالف بوده اند الزام آور و مطاع است .

جواب مسابقه شماره سوم (بقیه از صفحه ۲۹۸)

محمد تقی ملقب به "ابن ذئب" فرزند شیخ باقر اصفهانی که در لوح برهان به "ذئب" ملقب شده نازل واز جمله توقیعات منیع صادره از سما مشیت الهیه است . در این کتاب بین جمال اقدس ابهی آن مجتهد حریص برکین را به توبه و استغفار از معاصی و سیئات خویش دعوت و بعضی از مهمترین اصول و تعالیم این ظهور اعظم را نقل و دلائل حقانیت امر مبارک را تشریح و تبیین میفرماید .

برندگان این مسابقه بقید قرعه عبارتند از:

- ۱- خانم مهروش ذوالفنون از آبادان
 - ۲- آقای قدرت الله حمدی حصارى از طهران
- برای هر یک از برندگان فوق الذکر یک جلد کتاب بعنوان جایزه ارسال شده است .

چهره های موفق (بقیه از صفحه ۳۰۰)

صحیح برای جلوگیری از اتلاف وقت ضمناً معتقد است که مطالعات امری نقش مؤثری در پیشرفت های تحصیلی او داشته است .

ماموفقیتهای معنوی و علمی بیشتری را برای این جوانان شایسته از ساحات الهی مهلت مینمائیم .